



بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی مصر در سال ۲۰۱۱

بر اساس نظریه پخش

معین ضابطی^۱، مرتضی بابایی ساخمرسی^۲، امیرحسین مرادپور دهنوی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

چکیده:

بیداری اسلامی که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تنها در حد نظریه بود با پیروزی انقلاب، به یک الگو برای تمامی مسلمانان در سراسر جهان تبدیل شد. این مقاله به دنبال پیدا کردن پاسخی مناسب برای این پرسش است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری در بیداری اسلامی مصر گذاشت؟ (سؤال). این انقلاب به احیای دین و تجدید حیات اسلام در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ابعاد آن، ایجاد موج جدید در بیداری اسلامی معاصر است (فرضیه). نویسندگان احتیاجی و بیدارگری انقلاب اسلامی و ورود این مقولات از مرحله نظر به عمل و تأثیر آن در موج بیداری اسلامی در مصر و تحقق نظریه امام راحل (ره) در خصوص صدور انقلاب را به تصویر کشیده اند (هدف). در این تحقیق تجزیه و تحلیل مسائل با استفاده از اصول نظریه پخش انجام شده است (روش) و تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی در مصر مشاهده شده است (یافته) شواهدی نظیر اهداف و محتوای اسلامی در شعارها، اجرای شعائر و نمادهای اسلامی، سرنگونی دولت ضد اسلامی و ضدیت با اسرائیل از موارد تأثیرگذاری انقلاب ایران بر مصر است.

واژگان اصلی:

انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، مصر، نظریه پخش

^۱: استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

th.nourozi@pnu.ac.ir

^۲: استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۳: استادیار معارف اسلامی دانشکده علوم پزشکی سیرجان، سیرجان، ایران

مقدمه

جنگ هشت حوادث دویست سال اخیر در جهان اسلام را می‌توان، تاریخ بیداری اسلامی نامید. این مرحله از تاریخ با افت و خیزهایی، با توجه به شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سرتاسر جهان اسلام اجرا شده است. البته از نظر زمان آغاز، سرعت و کیفیت تحولات یکسان بوده است با وجود این که مراحل آغازین بیداری اسلامی در جهان عرب زودتر از ایران آغاز شد ولی انقلاب اسلامی ایران از بسیاری از انقلاب‌ها که حتی زودتر آغاز شده بودند پیش افتاد. انقلاب اسلامی در برهه‌ای از زمان به وقوع پیوست که غرب ادعای مرگ مذهب و ایدئولوژی را می‌کرد. حال آن که انقلاب اسلامی این فرضیه را که اومانیزم می‌تواند در عرصه حیات اجتماعی معیار همه فعالیت‌های انسان و پاسخگوی همه مسائل وی باشد، منسوخ کرد. همچنین انقلاب اسلامی ایران پایه‌های نظری و عملی سکولاریزم را متزلزل کرد. از جمله اقدامات اساسی رهبر انقلاب مخالفت جدی و دامنه‌دار با مسأله جدایی دین از سیاست بود (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۱). اما طی سال‌های گذشته این روند وارد کانال جدیدی شد و قیام‌ها و جنبش‌های انقلابی در نقاط مختلف جهان به وقوع پیوست.

در این میان می‌توان به انقلاب‌های موفق تونس و مصر در آفریقا و قیام‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه اشاره داشت. قیام‌هایی که جرعه آن در کشور آفریقایی تونس زده شد و پس از سرنگونی رئیس‌جمهور دیکتاتور این کشور، با سرعت عجیبی به دیگر نواحی منطقه مانند مصر، لیبی، بحرین، یمن و چند نقطه دیگر نیز تسری یافت. تا جایی که ظرف چند ماه دومینویی از خیزش‌ها و اعتراضات در خاورمیانه شکل گرفت و ملت‌ها به عنوان بازیگران اصلی این حوادث، برای سرنگونی رژیم‌های استبدادی حاکم بر کشورهاشان به پا خاستند. (محمدی، ۱۳۹۳)

به دلیل اهمیت این تحولات در مقاله حاضر در پاسخ این پرسش که انقلاب اسلامی چه نقشی در بیداری اسلامی مصر داشت و سنجش این فرضیه که انقلاب اسلامی ایران باعث گسترش موج بیداری اسلامی در مصر شده است، ابتدا به تبیین مفاهیم اصلی و طرح چهارچوب نظری مورد استفاده (نظریه پخش) پرداخته و در مرحله بعد عناصر اصلی این تأثیرات براساس نظریه پخش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان به سنجش فرضیه پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، در ادبیات سیاسی معاصر ایران و جهان، یعنی تحولات فکری و اجتماعی دو قرن اخیر جوامع مسلمان در پرتو وفاداری به مبانی اسلامی. عامل اصلی بیداری اسلامی مواجهه مسلمانان با فرهنگ و تمدن جدید غربی، و پی بردن آنان به عمق عقب ماندگی خود در برخی شئون در برابر غرب است. در واقع این پدیده واکنش دینی اندیشمندان جوامع مسلمان در برخورد با فرهنگ و تمدن غربی است.

بیداری اسلامی به معنای احیاء مجدد امت اسلامی در پرتو اسلام واقعی و اصیل است؛ بیداری ای که موجب از بین رفتن تمام آثار و مظاهر خواب آلودگی دنیای اسلام می شود و همه مسلمانان عزم خود را برای بازگشت به آموزه ها و ارزش های الهی جزم می کنند. هرچند خواب زدگی دنیای اسلام بیشتر در قرن های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که غرب گوی سبقت را از مسلمانان ربود و به شکل های مختلف به تضعیف کشورهای اسلامی مبادرت ورزید، به چشم می خورد. از همان صدر اسلام، به بیداری اسلامی به معنای اعم آن توجه شده است؛ به طوری که نهضت هایی که برخی چهره های نامدار اسلام به راه انداختند، با همین هدف طراحی شده بود. با این حال، پیوستگی و همگرایی استبداد و استعمار طی دو قرن اخیر با هدف سلطه بر کشورهای اسلامی و محو باورها و اعتقادهای دینی موجب شده است امواج فکری و عملی بیداری اسلامی در این مدت بیشتر نمود پیدا کند (مرادی و ملکی، ۱۳۸۹)

اگر دو عنصر شرمندگی و بازگشت به خویش را در یک عبارت خلاصه کنیم، باید گفت معنا و پیام بیداری اسلامی، این است که به اسلام ناب باز گردیم تا عزت گذشته خویش را بازیابیم یا عزت بر بادرفته خود را به دست آوریم. به عبارتی بیداری اسلامی از آنجا که ما را در عقیده، اخلاق و عمل اجتماعی، از مفاهیم و ارزش های اسلامی بسیار فاصله گرفته ایم، باید هر آنچه در توان است، بکار گیریم، تا کوتاهی های چند قرن اخیر را جبران سازیم. هدف از این بازگشت، ساختن یک تمدن جدید اسلامی با به کار گیری ارزش های خالص اسلامی و تجربه انسانی تمدن بشری است. از این رو، هدف نهضت بیداری اسلامی، تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن عقلانیت با

معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع شود (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹: ۳۵۹). بیداری اسلامی جنبشی مبتنی بر آگاهی و بر بنیاد اسلام خواهی شکل گرفته است.

با سقوط بن علی در تونس دومینویی شکل می گیرد که در ادبیات سیاسی و ژورنالیستی غرب به بهار عربی و در ادبیات مصلحان دینی به بیداری اسلامی نام گذاری گردید. این مرحله قیام و انقلاب کشورهای همچون تونس، لیبی، مصر، یمن و بحرین را در بر گرفت. ویژگی هایی نظیر مردمی بودن، حضور جوانان، مسالمت امیز بودن، اطمینان نداشتن به ادبیات غیر دینی و وارداتی و تکیه بر هویت اسلامی، ضد استبدادی بودن، استقلال طلبی از ویژگی های این جریان می باشد (مرادپور دهنوی، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۰۸).

در این مقاله منظور از بیداری اسلامی، نمونه های متأخر جنبش های سیاسی و اجتماعی اسلامی در کشورهای عربی و شمال آفریقا است که از تونس آغاز و بلافاصله در دیگر کشورها به شکل یک دومینوی سریع فراگیر شد. در این قیام ها فراگیری شعارهای مذهبی به ویژه الله اکبر و استفاده از نمادهای مذهبی در راهپیمایی ها و جایگاه ممتاز روحانیون و شخصیت های مذهبی در آنها نشان از نقش پررنگ اسلام در این ناآرامی ها دارند مذهب به عنوان مبنایی معنا بخش، نقش اساسی و تاثیرگذار در هویت یابی افراد در برابر غرب ایفا می کند. (مرادپور دهنوی، ۱۴۰۲: ۲۱)

۳-روش^۱: نظریه پخش

چرایی بازتاب دار بودن انقلاب های بزرگ در تغییرات بنیادین و تحولات اسلامی، عمیق و گسترده آن ها در جوامع خود نهفته است؛ کار بزرگ و تحولی عمیق است که این انقلاب ها را الگویی برای سایر نهضت ها ساخته و آنان را متأثر می کند. تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی بر سایر کشورها از منظرهای مختلف قابل بررسی و ارزیابی هست؛ در این مقاله موضوع بررسی و تحلیل بازتاب های انقلاب بر مصر با کاربست و استفاده از نظریه «پخش» و «انتشار» است. مقاله حاضر با در نظر گرفتن شرایط مختلف بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی منطقه و جهان نظریه و رویکرد مذکور را انتخاب کرده است.

«پخش» به معنای انتشار، گسترش، پراکندگی و به هم آمیختگی است (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۳). اشاعه یا

^۱. Diffusion

پخش عبارت است از فرایندی که طبق آن یک امر فرهنگی، یک نهاد و یا یک اختراع که مشخصه یک جامعه است، در یک جامعه دیگر مورد پذیرش قرار می گیرد (پانوف و پارون، ۱۳۶۸: ۱۱۳).

در علم جغرافیا، نظریه پخش، ابتدا در سال ۱۹۵۳ میلادی، توسط هاگر استراندر، جغرافیدان سوئدی در دانشگاه لاند منتشر گردید و برای اولین بار، او با کمک همکاران خود، نظریه پخش را در زمینه گسترش نوآوری ها و پدیده های کشاورزی به کارگرفت (شکویی، ۱۳۸۳: ۳۰۲). هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است، اما رشته های علوم سیاسی و روابط بین الملل نیز از آن بهره برده اند؛ چراکه این نظریه، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه گسترش، مسیرها و مجاری پخش آن و هم علت توقف آن، علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می دهد (برزگر، ۱۳۸۶: ۳۹).

۳-۱ انواع پخش:

۱. پخش جابه جایی: پخش جابه جایی زمانی رخ می دهد که افراد یا گروه های دارای یک ایده مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و از طریق ابداعات و نوآوری ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مثلاً مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی گسترش یافته اند.

۲. پخش سلسله مراتبی: در این نوع پخش، پدیده ها و نوآوری ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته ها و طبقات منتقل می شود و گسترش می یابد.

۳. پخش سرایتی یا واگیردار: در این نوع پخش گسترش عمومی ایده ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می گیرد؛ مانند اشاعه بیماری های مسری است (جردن و راونتری، ۱۹۳۰: ۳۸۰).

۳-۲ اصول نظریه پخش:

درک کارکرد نظریه انتشار در تبیین و تحلیل اشاعه پدیده ها، مستلزم توجه به شش عنصر اساسی آن است که عبارتند از: «محیط جغرافیایی»؛ محیطی که یک پدیده در آن انتشار می یابد، ممکن است نسبت به آن پدیده، پذیرا - همگرا یا ناپذیرا - واگرا باشد یا موانع و محدودیت هایی در برابر آن ایجاد نماید، انقلاب اسلامی در اغلب کشورهای منطقه از سوی حاکمان ناپذیرا و از سوی مردم پذیرا - همگرا است.

«زمان»؛ پدیده‌ها بعد از آغاز و تکوین، ممکن است به صورت مداوم یا دوره‌های متوالی و سرعت‌های متفاوت به سایر نقاط منتشر شوند؛ به دلیل پویایی و ماهیت نهضتی انقلاب اسلامی به صورت مداوم انجام شده است.

«محتوا و موضوع»؛ موضوع انتشار می‌تواند بسیار متنوع و شامل پدیده‌های فکری، امنیتی باشد، در انقلاب اسلامی موضوع سیاسی - معنوی است که با گفتمان امت‌گرایی دنبال شده است.

«مبدأ»؛ مکان‌هایی است که همان خاستگاه و محل صدور پدیده‌ها، افکار و... است؛ مبدأ پخش دارای خصوصیات و شرایط خاصی برای ایجاد و تشکیل پدیده هستند که به دلیل مقبولیت مردمی به دیگر مناطق منتقل و گسترش می‌یابند. همچون انقلاب اسلامی ایران و بازتاب این گفتمان می‌باشد.

«مقصد»؛ مکان‌هایی است که پدیده در آنجا منتشر و محیط‌های جغرافیایی مختلفی را شامل می‌شود؛ محیط‌های انقلابی منطقه، نهضتی و جنبش‌های جهان است.

«مسیر حرکت»؛ این مسیر شامل مجاری انتقال پدیده‌ها از مبدأ به مقصد است. (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰۵)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ با تکیه بر نهادهای اسلام، مردم و رهبری، ضربه سختی بر دو ابرقدرت شرق و غرب وارد ساخت و کشورهای اسلامی را به طور خاص و جهان را به طور عام، متأثر کرد. همسو با چارچوب تحلیلی این پژوهش باید گفت: «انقلاب اسلامی نه اینکه از ۲۲ بهمن ۵۷ آغاز شده و اکنون پایان یافته است، بلکه به نتیجه بیش از یک قرن مبارزه باز می‌گردد. ایران کانون پخش و

تراوش حکومت دینی و اسلام خواهی به مقصد کشورهای اسلامی شد». (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۶)

نگرش فرا ملی یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی است که آن را در زمان و مکانی خاص محدود نمی‌کند. و توانسته است باعث تحول در روحیه مردم مسلمان و مستضعف شود و هدف اسلام را نجات همه مستضعفان می‌داند. و زمینه بهره‌مندی حرکت‌های اسلامی از این مدل درخشان را فراهم آورده است.

لذا این انقلاب تأثیرات بسیاری بر مسلمانان از طریق انواع پخش داشت. این نوشتار با مبنا قرار دادن نظریه پخش به تأثیرات انقلاب اسلامی در جهت دهی به نگرش سیاسی در بیداری اسلامی مصر می‌پردازد.

۴- انقلاب اسلامی ایران مبدأ پخش بیداری اسلامی

به نظر فوکو انقلاب اسلامی تأییدی بر این برداشت بود که تاریخ یک مسیر واحد و همه‌جایی ندارد.

بنابراین، این ایده که همه جوامع به سوی لیبرالیسم^۱ و دموکراسی غربی در حرکت اند از قبیل آنچه فرانسیس فوکویاما^۲ در «پایان تاریخ، واپسین اسطوره» گفته است تصورات و تمایلاتی نامنتطبق با واقعیت است. (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۲۶۹)

بی تردید انقلاب اسلامی یکی از پدیده های بزرگ و شگفت انگیز سیاسی- فرهنگی در دوره معاصر است و به دلیل جذابیت های فوق العاده ای که در شعارهای محوری، آرمان ها، رسالت ها، اهداف، محتوا، روش ها و نتایجی که داشته و مهم تر از همه موقعیت بی بدیل ژئوپلیتیکی خاستگاه آن و شرایط تاریخی، داخلی، منطقه ای و بین المللی وقوع آن، پدیده ای اثر گذار در عرصه بین المللی و به خصوص جهان اسلام بوده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۴)

به طور کلی جریان های اسلام گرا در چارچوب اندیشه احیاگرایی است برای رسیدن به قدرت سیاسی و یا مشارکت سیاسی فعال از طریق سازوکارهای امروزی تلاش کرده اند و دغدغه اساسی این گرایش های متنوع احیاگرایانه در جغرافیای جهان اسلام، هویت اسلامی بوده است. احیای هویت اسلامی در جوامع اسلامی پس از دوران انفعالی قرون گذشته که همواره اندیشه انحطاط و عقب ماندگی موجب سرخوردگی مسلمانان به ویژه در میان نخبگان شده بود، جان تازه ای به جنبش ها و جریان های فکری اسلام گرا بخشید تا مجدداً با بازخوانی صراط اسلامی و دغدغه اصالت و معاصرت، هویت اسلامی خویش را بازسازی و احیا نمایند. این خیزش هویتی همراه با رویکردی تمدنی در تلاش است تا بار دیگر اوج شکوفایی تمدن اسلامی را تجربه نماید. (ضابطی، علی حسینی و امام جمعه زاده، ۱۳۹۸)

همچنین اسلام سیاسی، حاصل تعامل در ساحت نظر و عمل بوده است، بدین معنا که از یک سو عامل فعال سازی مجدد اذهان مسلمانان و جنبش های اسلامی است و از سوی دیگر توسعه و گسترش آن در ساحت عمل محصول و برآیند فعال شدن جنبش های اسلامی است. بنابراین علاوه بر فعال نمودن جنبش ها و جریان های فکری در سطح جهان اسلام موجب تحولات گسترده ای در سطح بین الملل و جهانی شده است. هر چند اهمیت این پدیده در جهان اسلام و غرب به نوعی تفاوت

^۱ . Liberalism

^۲ Francis Fukuyama

دارد زیرا جهان اسلام، اسلام سیاسی را به عنوان پدیده‌ای بومی می‌نگرد و آن را بازگشت به هویت گذشته اسلامی خویش تلقی می‌کند در حالی که جهان غرب، اسلام سیاسی را پدیده‌ای مخوف جلوه داده و آن را تهدیدی جدی برای تمدن غربی می‌انگارد (بهرزولک، ۱۳۸۶، ۲۹).

آن چه که در سال ۱۳۵۷ بیش از هر چیز نمایان شد، تبدیل هویت اسلامی مردم ایران بود که به رخوت و ناکارآمدی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دچار شده بود. در واقع با نوعی هویت سرکوب شده مواجه شد و امام خمینی (ره) توانستند در پرتو برداشتی انقلابی و کارکردگرایانه نقش بنیادینی در ایجاد سازمان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایفا نمایند.

نوع انقلاب ایران بیانگر استقرار و تثبیت یک ذهنیت سیاسی اسلامی بود. با استقرار جمهوری اسلامی که ماحصل تفکرات سیاسی امام و پشتیبانی توده مردم بوده و ریشه در برداشت‌های سیاسی از اسلام داشت، به شکل بی نظیر در مأموریت سیاسی اسلام نهاده شده بود. برای نخستین بار یک نظام سیاسی برخاسته از اسلام گرایی به شیوه‌های انقلابی جایگزین رژیم سکولار غرب گرا و متحد استراتژیک غرب گردید (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۲).

انقلاب اسلامی به عنوان یک تحول بنیادین اجتماعی و سیاسی در سطوح داخلی و منطقه ای و بین المللی که مبانی و غایاتی ضد مشهورات و مقبولات رایج در دنیای معاصر دارد و نیز به دلیل تضاد فلسفی با بنیان‌های فکری مدرنیته غربی - که کشور ما را نیز در قبل از انقلاب در آستانه سیطره کامل قرار داده بود مورد توجه و بررسی بسیاری از نویسندگان و سیاستمداران، روزنامه نگاران و مراکز علمی و پژوهشی غرب قرار گرفته است که می‌تواند بازگشت به انقلاب اسلامی به مرجعی کاملاً متباین و متضاد با فرهنگ و غایات ماتریالیسم^۱ معاصر را اثبات کند و با به نمایش گذاشتن اهداف متعالی و آرمانی انقلاب اسلامی، آلوده نبودن این پدیده به اغراض سیاسی رایج و متعارف در انقلاب‌های جهان و مبارزات سیاسی را نشان دهد (کوشکی، ۱۳۸۷: ۷۴).

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین انقلاب‌ها در نیمه دوم قرن بیستم بر محیط بین الملل به شمار می‌رود. آثار این انقلاب بر خلاف آنچه که پیش بینی می‌شد و تلاش‌هایی که

برای محدود کردن آن صورت پذیرفت به داخل ایران محدود نماند. جوهره اصلی انقلاب اسلامی، مسائل دینی و اعتقادی بود و بدیهی بود که این انقلاب نمی توانست نسبت به دورنماهای فراملی و اهداف منطقه ای بی توجه باشد.

در فرایند انقلاب اسلامی، گفتمانی که با تمام بداعتش ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت، به مثابه یک ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی ساز جلوه گر شده و تمامی شئونات و مناسبات داخلی و خارجی جامعه را تحت الشعاع آموزه های خود قرار می دهد. قرائت واسازانه امام از اسلام (حداقل در پاره ای از وجوه) چهره ای ایدئولوژیک بدان بخشید که تمامی دقائق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان های سیاسی-اجتماعی مدرن و رهایی بخش را در خود انعکاس می داد. در ثقل گفتمان انقلابی، اسلام بعنوان یک دال متعالی نشسته بود. غنای مفهومی و محتوایی چنین دالی تمامی زوایا و زمینه های زندگی آدمی را در بر گرفته، سیاست را هم نشین دیانت کرده، هر دو را بر سیمایی عرفانی تزئین نموده، هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت «تئوری راهنمای عمل» نشانده بود. بر بنیان چنین نگرش ها و آموزه هایی است که نحوه ملازمت «دین» با «سیاست» (در عرصه داخلی و خارجی) و در پرتو آن، انگاره «صدور انقلاب» معنا و مفهوم می یابد. (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۳)

در چارچوب نظام معنایی این گفتمان [امام خمینی (ره)] صدور انقلاب به یک کنش قهرآمیز و تحمیلی رجوع نمی داد، بلکه صرفاً نشان از یک کنش اقناعی داشت. در حقیقت، امام با تأکید بر ماهیت جهان شمول دین اسلام، انقلاب اسلامی را به مثابه الگویی برای سایر جوامع و وسیله ای برای وحدت مسلمانان می دانست. (همان، ۷۸)

با گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی روز به روز بیشتر گشت و مصر نیز به عنوان یکی از کشورهای مهم اسلامی از این تأثیرات متأثر از صدور انقلاب بهره مند شده است. «به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی فضای در حال گسترش اصولگرایی اسلامی سراسر جهان را فرا گرفت» (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۲۸۰)

انقلاب مصر مانند انقلاب ایران، اسلامی بود. شواهد اسلامی بودن بیداری مصر عبارتند از: الف. اهداف و محتوای اسلامی در شعارها؛ اولین نشانه وجود اسلام خواهی بیان اهداف قیام توسط مردم مصر در شعارهای خود در راهپیمایی ها است که نشان از اهداف اسلامی این انقلاب ها دارد

مانند شعارهای آنان در نماز جمعه و درخواست پوشش اسلامی و لغو قانون منع حجاب، حمایت از فلسطین، قطع ارتباط با رژیم صهیونیستی و شعار علیه آمریکا و غیره. این شعارها بیانگر این است که ماهیت این انقلاب‌ها سمت و سوی اسلامی دارد.

ب. اجرای شعار و نمادهای اسلامی؛ شامل جاری کردن شعار اسلامی و بر پا کردن نمادهای اسلامی در این کشور است. در بسیاری از راهپیمایی‌ها مردم در دست‌های خود قرآن دارند. از مظاهر اسلام‌گرایی حضور زنان محجبه در تظاهرات است.

ج. سرنگونی دولت‌های ضداسلامی؛ مردم مصر حاکمی را ساقط کردند که ماهیتی ضد دینی داشت و دست پرورده آمریکا و غرب بود.

د. ضدیت با اسرائیل؛ یکی از علل اعتراض و خشم مردم مصر دوستی دولت مصر با اسرائیل است. مردم علی‌رغم ممنوعیت، روز قدس را گرمی داشته و در حمایت از مردم فلسطین سفارت اسرائیل را به اشغال درآوردند (مرادپوردهنوی و ستوده، ۱۳۹۸: ۲۷۳-۲۷۴).

۵- مصر؛ مقصد پخش بیداری اسلامی

طبق نظر اسپوزیتو و پیرکاتوری، بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام چهار شکل داشته است: نخست، در دو کشور (لبنان و بحرین) دخالت ایران ملموس و چشمگیر بوده است، دوم، در تعداد بیشتری از کشورها، الگوی ایران و تشویق‌های این کشور جریان‌های سیاسی اسلامی پیشین را تقویت کرده و شتاب بیشتری بخشیده است (مصر، تونس، نیجریه، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، پاکستان و فیلیپین) سوم، ایران نقش عام‌تری در برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی ایفا کرده است (مصر، سودان، مالزی و اندونزی) چهارم، الگو و فعالیت‌های ایران دلیل و بهانه لازم را فراهم آورده است تا بعضی حکومت‌ها (عراق، مصر، تونس و اندونزی) جنبش‌های اسلام‌گرای مخالف را مهار و سرکوب کنند (اسپوزیتو و پیرکاتوری، ۱۳۸۲: ۳۳۰).

شکی نیست که یکی از سیاست‌های مهم استعمار نو در کشورهای اسلامی، ایجاد تفرقه و اختلاف میان مذاهب اسلامی است و همین عامل، بزرگترین ضربه‌ها را به جهان اسلام وارد کرده است. متأسفانه برخی گروه‌های فرقه‌گرا همانند سلفیون افراطی، ابزار این سیاست ننگین دشمنان اسلام شده و شمشیر تفرقه را بر پیکر امت اسلام فرود آورده‌اند. (موسوی، ۱۳۹۰: ۷۹). مشی مردم مصر

اعتدالی است و هیچ زمانی جریان های سلفی و تکفیری در مصر نتوانسته اند چندان رخ نشان دهند. از سوی دیگر انقلاب اسلامی به عنوان یک الگوی فکری الهام بخش سایر نهضت های اسلامی قرار گرفت. با توجه به غلبه مذهب تسنن در کشورهای اسلامی و نیز جنبش های سیاسی و اجتماعی این کشورها این نکته حائز اهمیت است که چگونه یک نهضت شیعی (حداقل برای کوتاه مدت) توانست چنان موج عظیمی را به پا کند که در پرتو آن سایر تفاوتها و اختلافات کنار گذاشته شود. به هر حال شکی نیست که «انقلاب ایران الهام بخش اقدامات انقلابی گروه های بنیادگرایی سنی در جهان عرب شد و به آن نیروی محرکه بخشید» (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۱)

تا جایی که با بروز اندیشه ها تفکرات وحدت گرایانه امام خمینی (ره) در جریان مبارزات و شکل گیری انقلاب اسلامی، جماعت اخوان المسلمین با صدور اعلامیه ای در سال ۱۹۷۸ ضمن ستایش از انقلاب اسلامی، آن را الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضد اسلامی مصر بکار بندند. (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۸: ۳۷۳)

اخوان المسلمین از تمام مسلمانان جهان خواست تا از مسلمانان ایران سرمشق بگیرند، اما در عین حال توضیح داد که این به معنای فراخواندن ملت های مسلمان به انقلاب نیست، بلکه به معنای دعوت حاکمان و ملت ها به وحدت در زیر پرچم اسلام است. عمر تلمسانی رهبر اخوان المسلمین، به دعوت رهبران و مقامات جدید ایران چندین بار از تهران دیدار کرد. در تحلیل موضع اخوان المسلمین نسبت به انقلاب اسلامی ایران، باید به این نکته توجه داشته باشیم که این جماعت، همواره موضعی معتدل در برابر مذهب شیعه داشته و برافروختن آتش اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی را به شدت رد و محکوم کرده است. این جماعت اگر چه به وجود اختلافات آشکار میان دو مذهب اذهان دارد، اما همواره اعلام کرده است که این اختلافات ماهیتی ثانوی دارند. جماعت اخوان در مقابل کسانی که آنان را به تقلید از امام خمینی متهم می کردند، این اتهام را رد کرده و اعلام نمود که همچنان به برنامه های امام حسن البنا وفادار است. این جماعت در توجیه حمایت خود از انقلاب ایران اعلام کرد که دلیل حمایت از انقلاب ایران این بوده است که رهبران جدید ایران اعلام کرده اند، انقلابشان اسلامی است و هدف آنها پیاده کردن شریعت است. جماعت اخوان المسلمین در جداسازی موضع گیری خود از مواضع سازمان های اسلام گرای زیرزمینی و رادیکال در مقابل

انقلاب ایران، شفاف عمل کرده و در مقابل، در برابر دعوت حکومت انقلابی ایران از دیگر جنبش‌های اسلامی در دیگر نقاط جهان، برای جهاد فراگیر با حکومت کشورهای خود، با احتیاط رفتار کرده است. (مرادی، ۱۳۸۳)

اخوان همچنین کتاب فتحی عزیز با عنوان «خمینی‌الترناتویو اسلامی» را در سطح وسیعی در مصر منتشر می‌کند که در آن روش امام (ره) بعنوان راه حل معرفی گردید.

همچنین در دوره ای اندیشه فدائیان اسلام نیز بسیار مورد توجه مصری‌ها قرار گرفت تا جایی که مجله المسلمون متعلق به اخوان المسلمین چنین می‌نویسد: «شهید عزیز زنده یاد نواب صفوی، روابط تنگاتنگی با المسلمون داشت و در ژانویه ۱۹۵۴ م. به عنوان میهمان، در دفتر مجله در قاهره اقامت گزید. (المسلمون، پنجم، ش اول: ۷۳)

در تحلیل انقلاب اسلامی و تأثیرات آن معتقدند انقلاب اسلامی بیشترین تأثیر را بر گروه جهاد گذاشته است. از نظر این تشکیلات، ریشه‌های انقلاب ایران به اندیشه حسن البنا و سیدقطب باز می‌گردد. برخی رهبران تشکیلات جهاد، انقلاب امام خمینی را الگویی برشمردند که سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی، در دیگر کشورهای اسلامی، باید از آن پیروی کنند. رهبران این تشکیلات، نشریات، کاست‌ها و بیانیه‌هایی صادر کردند و در آن از مسلمانان سنی خواستند تا از اندیشه‌های امام خمینی پیروی کنند؛ حتی برخی عناصر تشکیلات جهاد ابراز امیدواری کردند که ایران، در جنگ سال ۱۹۸۰ م عراق را شکست دهد و پس از آن زمینه برای استیلای ایران بر اردن و سپس آزادسازی فلسطین فراهم شود. این عناصر، اختلافات میان انقلاب ایران و جنبش‌های اسلام‌گرا در مصر را دارای ماهیتی ثانوی و فرعی دانستند؛ به ویژه آن‌که موضع هر دو در برابر دشمنان اسلام، مشابه است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۳۷۹)

گروه البسارالاسلامی نیز مانند جهاد جزو گروه‌های مبارز رادیکال به شمار می‌رود. این گروه نقش ایدئولوژی شیعی را در انقلاب اسلامی ایران می‌ستودند و به آن توجه زیادی داشتند و در همین راستا تعدادی از کتب امام خمینی و علی شریعتی را به زبان عربی ترجمه نموده و منتشر کردند و خود نیز کتاب‌هایی در خصوص انقلاب اسلامی منتشر ساختند. (محمد، ۱۳۹۵: ۲۷۸)

سربرآوردن گروه‌های تازه اسلام‌گرا که در مصر در یک دهه و نیم گذشته، نشانه دیگری از

دگرگون شدن اسلام سیاسی در بزرگ ترین کشور عرب است، که خود به پیروی از الگوی زنده انقلاب اسلامی بوده است. از میان دهه ۱۹۹۰ بدین سو، گذشته از سازمان اخوان المسلمین که دگرگونی های بسیاری به خود دیده، حزب اسلام گرای میانه رو یعنی «حزب الوسط الجدید»، در همین دوران سر برآورده و در ده سال گذشته برای شناساندن خود در حوزه سیاسی مصر در تکاپو بوده است. جنبش رادیکال به ویژه جماعت اسلامی نیز به ارزیابی دوباره برخی از تاکتیک های خود پرداخته اند. (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۱۶۷)

۶- محیط پخش:

انقلاب اسلامی گرچه یک انقلاب شیعی است ولی همانند هر مسلمان و هر جنبش اسلامی دیگر به وحدانیت لا اله الا الله اعتقاد دارد به رسالت پیامبر اکرم (اشهد ان محمد رسول الله) معتقد است، کعبه را قبله آمال و آرزوهای معنوی خود می داند، قرآن را کلام خداوند سبحان و آن را منجی بشریت گمراه تلقی می کند و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن به صلح برادری و برابری ایمان دارد (جندی، ۱۳۷۱: ۲۶۵)

پیروزی انقلاب اسلامی باعث می شود امواج آن وارد محیطی شود که بر اساس تقسیم بندی انواع محیط در نظریه پخش محیط پذیرا است این محیط پذیرا در عناصری از روانشناسی سیاسی و جامعه شناسی سیاسی تفسیر پذیر است.

از ویژگی های جامعه مصر، اقبال و گرایش مردم مصر در همفکری و همراهی با حرکت های اسلامی است. مردم مصر به علت داشتن پیوند عاطفی شدید با اسلام با جنبش های اسلامی هم صدا و همراه می شوند. همچنین فعالیت های گسترده دانشگاه الزهرا در امر آموزش و تربیت کادرهای اسلامی و اعزام مبلغان مذهبی به کشورهای مختلف و پذیرش دانشجویان و داوطلبان تحصیل معارف از سراسر جهان اهمیت و نقش تاثیر پذیری این کشور را در جهان اسلام و جهان دو چندان نمود.

برخورد ملت و جامعه مصر در مجموع با انقلاب اسلامی برخوردی مثبت بود. هر چند که در گوشه و کنار برای تحقیر انقلاب ایران از لفظ احیای شعوبیه توسط یک کشور عجم به کار برده می شد اما شواهد نشان دهنده آن است که اکثریت، انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب اسلامی و نه یک پدیده شیعی می دانستند و آن برخوردها برای خشی کردن تاثیر انقلاب اسلامی ایران از طرف مخالفان انقلاب بوده است. (متنظمی، ۱۳۵۸: ۵۸)

انقلاب اسلامی ایران در مصر نوعی زمینه بیداری اسلامی ایجاد کرد که علاوه بر تقویت جریان های

اسلامگرا، این نگاه و نگرش در بین عموم مردم هم تقویت شد و با گسترش امواج انقلاب اسلامی این ارزش‌ها به فراسوی مرزهایش هم رسید. این ارزش‌ها و گسترش آگاهی‌های سیاسی روز به روز توسعه پیدا کرد و زمینه گسترش تفکر اسلام سیاسی را فراهم ساخت.

۷- تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی مصر

انقلاب اسلامی و به دنبال آن تجدید حیات اسلام آثار مختلفی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد یکی از این آثار، انتخاب اسلام به عنوان بهترین و کامل‌ترین شیوه مبارزه است. سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در ملاقات با امام خمینی (ره) در این باره می‌گوید: «انتفاضه بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های بزرگ انقلاب شماسست. انقلابی که بزرگترین تحول را در عصر ما به وجود آورد» (کهرودی، ۱۳۸۰: ۱۹۹).

گرایش به مبارزه بر اساس اسلام تنها نتیجه تجدید حیات اسلام که آن را برخی اصول‌گرایی یا بنیادگرایی اسلامی می‌نامند، نیست بلکه در گرایش جدید «اسلام تنها راه حل» برداشت نوین و تازه‌ای از اسلام صورت گرفت، که در آن مسلمان به ایستادگی، مقاومت و پافشاری برای نیل به حقوق خویش تشویق شدند. روزگاری این کار از سوی حسن البنا و سید قطب در جنبش اخوان المسلمین انجام می‌شد، ولی انقلاب اسلامی، اسلام انقلابی را به صورت جدی‌تر درآورد و مطرح ساخت. البته این سبزه جویی انقلابی تنها به معنای روی آوردن به اسلحه نخواهد بود، چون در آن شیوه‌های مسالمت‌آمیز مشابه آنچه حزب اسلام‌گرای رفاه در ترکیه برگزید نیز دیده می‌شود. (جعفریان، ۱۳۷۵: ۲۴۷)

بعضی از گروه‌های اسلامی با طرح لزوم اجرای شریعت اسلامی مانند نهضت جمعیت ارشاد اسلامی مصر و یا با ترجمه کتاب حکومت اسلامی امام خمینی ره مانند آثار اسلامی مصر و یا با تأکید بر جمهوری اسلامی به عنوان تنها راه حل مانند جبهه نجات اسلامی الجزایر و نقطه علاقه‌مندی خود را برای برپا کردن یک حکومت اسلامی ابراز کردند. (جمشیدی، ۱۳۷۴: ۳۹۱)

۸- موضوع پخش:

الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب، جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان، مطالبه اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی، بیداری اسلامی و اعتمادبه‌نفس سیاسی، ترویج ایده مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت اسلامی مسلمانان و ایجاد قطب و ابرقدرت اسلامی،

وحدت شیعه و سنی، اسلام یا راه حل مبارزه اسلام، راه حل زندگی، ایجاد جامعه اسلامی، ایجاد دولت اسلامی شاید برای این همه بتوان یک نام برگزید و آن «اسلام سیاسی» است. «اسلام سیاسی» و قدرت «ایدئولوژی»، پیامی بود که انقلاب اسلامی برای اعراب بویژه پس از سرخوردگی آنان از ناسیونالیسم ارائه کرد. انقلاب ایران، تقویت شگفت انگیز عقاید ضد غربی و محافظه کارانه را در خاورمیانه در پی داشت حتی این اسلام سیاسی بازتابی در روابط بین الملل داشته است. (حشمت زاده، ۱۳۸۱: ۹۴)

۹- ایده اسلام سیاسی:

اسلام سیاسی به آن دسته از «جریان های اسلامی که معتقد به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بر اساس شریعت می باشند» گفته می شود (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۳). به عبارت دیگر، اسلام سیاسی به مرجعیت دین و شریعت در امور سیاسی و اجتماعی اعتقاد دارد. در مقابل اسلام سیاسی، اسلام غیر سیاسی وجود دارد که چنین دغدغه ای ندارد، هر چند به نوعی تعامل یا مداخله شریعت در سیاست اعتقاد داشته باشد (حقیقت، ۱۳۸۹: ۲۶۳). بنابراین اسلام سیاسی را می توان گفتمانی به حساب آورد که حول مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. اسلام گرایی طیفی از رویدادها از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام عیار برای باز سازی جامعه ی مطابق با اصول اسلامی را در بر می گیرد (بهرزولک، ۱۳۸۷: ۶۲). هواداران اسلام سیاسی بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید ورزیده، معتقدند که اسلام دارای نظریه ای جامع درباره دولت و سیاست می باشد و به دلیل تکیه بر وحی، حکومت اسلامی برخاسته از متون دینی از سایر نظام های سیاسی برتر است. اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می گیرند که دنیا و آخرت انسان را در بر گرفته و برای همه حوزه های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد.

در این میان انقلاب اسلامی ایران توانست اسلام سیاسی را به واسطه ماهیت آرمان گرایانه اش به عنوان ارزشی جدید مطرح و نقش اسلام و مسلمانان را در تحولات برجسته سازد.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، همزمان با مذاکرات «کمپ دیوید» در مصر رخ داد و با محکومیت پیمان کمپ دیوید از سوی ایران، گروه های اسلامی از جمله اخوان المسلمین میانه رو، جامعه الاسلامیه و برخی گروه های دیگر، دولت مصر را به پیروی از الگوی ایران و مبادرت به جنگ مقدس با اسرائیل فرا خوانده و از موضع ایران در عقب نشینی اسرائیل از تمامی خاک فلسطین

اشغالی استقبال کردند؛ البته در مقابل، برخی گروه‌های دیگر سعی نمودند تا با پر رنگ جلوه دادن جنبه‌های ایرانیت و شیعی بودن انقلاب اسلامی در مقابل جنبه اسلامی و احیای فکر دینی در دنیای معاصر، از تأثیر این انقلاب در مصر بکاهند. همچنین دولت مصر نیز که در این مقطع زمانی به دلیل بهبود روابط خود با رژیم صهیونیستی در میان کشورهای اسلامی و عربی در انزوا قرار داشت، ضمن محکوم نمودن ایران به مداخله در امور داخلی مصر، سعی داشت تا با بزرگ جلوه دادن خطر انقلاب ایران برای کشورهای منطقه، با این کشورها علیه ایران ائتلاف نموده و ضمن بهبود روابط خود با کشورهای اسلامی، امواج انقلاب اسلامی را هر چه بیشتر مهار نماید. (محمدی ۱۳۸۵: ۲۷۲ - ۲۷۳)

گرچه به دنبال گروگانگیری سفارت آمریکا در ایران و جنگ تحمیلی، رابطه ایران با برخی از گروه‌های اسلامی از جمله اخوان المسلمین کمی تیره شد، (عبدالناصر ۱۳۸۵: ۳۷۷) ولی به طور کلی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری نهضت بازگشت به خویشن اسلامی و احیای فکر دینی در مصر را نمی‌توان انکار نمود و در این خصوص باید اظهار نمود که الهام‌پذیری این گروه‌ها از انقلاب اسلامی منجر به تقویت مخالفان دولت مصر و شکل‌گیری نهضت اسلامی شد و علی‌رغم وجود حکومت پلیسی در مصر و فشارهای مختلف از درون و بیرون مصر، هنوز گروه‌های اسلامی در قالب جنبش‌های عظیم دانشجویی، اتحادیه‌های کارگری و تشکل‌های دینی به کار خود ادامه می‌دهند. (طاهری، ۱۳۸۷)

همچنین توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که: انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا (شیطان بزرگ) و اسرائیل (غده سرطانی) است، همانند کفار قریش، مغولان وحشی، صلیب‌نویسان مسیحی، استعمارگران اروپایی و صرب‌های نژادپرست کیان اسلام را تهدید می‌کند، در حالی که انقلاب اسلامی با طرح شعار "نه شرقی و نه غربی" علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است. " (جندی، ۱۳۷۱: ۲۵۹) امام خمینی (ره) در این باره فرمود: "دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند، و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع کنید (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۷۶۸)

۱۰- مجاری پخش و چالش‌های ایجاد شده در مسیر پخش

«شیخ علوی امین السید» استاد جامع الازهر در گفت‌وگو با روزنامه ایران می‌گوید: افکار امام

خمینی فقط خاص مردم ایران نیست و امام در زمان حیات خود کاری کرد که جهان را به لرزه درآورد و مکتبی از خود باقی گذاشت که تمام مردم جهان از این مکتب استفاده کردند. وی با بیان اینکه تمام امکانات یک انقلاب به تمام معنا در مصر وجود دارد، همان طور که در ایران وجود داشت، تاکید کرد: ما در مصر افکار امام خمینی (ره) را استفاده کردیم و در مصر، جوانان متفکر انقلابی و اسلامی داریم. شیخ علوی امین السید نداشتن فردی مانند امام خمینی را تفاوت میان انقلاب ایران و انقلاب مصر دانست. وی در ادامه گفت: وجود امام برای مردم ایران یعنی همه چیز و اندیشه های ایشان برای انقلاب ما هم نقطه بسیار مهمی بود. این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که تفکر امام خمینی و نقش آن در بیداری اسلامی در بین کشورهای عربی دیگر چگونه بوده است، گفت: افکار امام خمینی به نظر شما فقط برای مردم ایران بود و او بود که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند، ولی در حقیقت امام خمینی افکارش بر سراسر جهان تأثیر گذاشت و پیروزی هایی که در کشورهای عربی و اسلامی در مواجهه با ظلم و بیدادگری و کفر می بینید در اثر افکار امام بوده است. (روزنامه ایران، ۱۳۹۰/۰۳/۱۱: ۳). مطلبی که نشان می دهد اندیشه های امام خمینی (ره) نقش مهمی در حرکت های مردم کشورهای عرب داشته است. در واقع یک مجرای پخش، خود اندیشه امام خمینی بود که به واسطه شخصیت کاریزمای امام (ره) و عمق نفوذ کلام ایشان در میان مسلمانان، نظریات ایشان دیده و دنبال می شد.

یکی از اثرات جهانی شدن تبدیل مرجعیت ملی به مرجعیت جهانی و فرا ملی است. تأثیر شخصیت کاریزماتیک امام خمینی (ره) نیز محدود به انقلاب اسلامی و مردم ایران نمی گردد. برخی گروه های اسلامی با ترجمه کتاب حکومت اسلامی امام (ره) مانند الیسار الاسلامی مصر، علاقه مندی خود را برای بر پا ساختن یک حکومت اسلامی بیان داشته اند. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۷)

مسئله دیگر زمینه هایی بود که خود به خود در فضای مصر ایجاد شد. به طور مثال در مارس ۱۹۷۹ دانشجویان تظاهرات عظیمی بر پا کردند و با شعارهای انقلابی ضمن حمله به رژیم مصر به حمایت از انقلاب اسلامی پرداختند. پس از آن در مسجد قاهره به دعوت اتحادیه دانشجویان اسلامی مصر، پس از اقامه نماز جمعه، دو رکعت نماز برای شهدای ایران گذاردند. این موج حمایت از انقلاب اسلامی به دیگر نقاط کشور مصر سرایت کرد. شیخ عمر تلمسانی، رهبر اخوان المسلمین، ضمن حمایت از انقلاب اسلامی می گوید: اخوان المسلمین، از پیروزی انقلاب اسلامی شادمان است و آن

را تبریک می گوید، زیرا رهبر آن اعلام نموده که این انقلاب برای اجرای احکام اسلامی پدید آمده است. خبرگزاری یونایتد پرس در آن ایام، طی گزارشی از قاهره خبر می دهد که دادستان امنیتی مصر معتقد است گروه های اسلامی، انقلاب اسلامی را الگوی خود قرار داده اند و سعی می کنند با آن تماس برقرار نمایند. (امرای ۱۳۸۳: ۲۴۲)

از سوی دیگر خود دانشگاه الازهر یک زمینه دینی ایجاد نموده بود که گرایش های مذهبی و انقلابی و احیاگرانه انقلاب اسلامی به راحتی بر آن زمینه می نشست و با اقبال مواجه می شد.

همچنین ارادت جریان های اسلامی مصر و آشنایی آن ها با اندیشه های نواب صفوی و مراودات بین آن ها زمینه مناسب دیگری محسوب می شد. نشریاتی نظیر «المسلمون» و انتشار کتاب هایی نظیر «خمینی الترناتو اسلامی» از مجاری دیگر پخش محسوب می شوند. این گسترش و پخش با چالش هایی هم مواجه بود. تحلیل متفاوت رهبران سیاسی دو کشور از ماهیت نظام بین الملل و نیروهای هژمون جهانی و همچنین مخالفت های احزاب سیاسی و گروه های ذی نفوذ داخل دو کشور باعث تیرگی روابط بین دو دولت شد و ارتقای سطح مناسبات سیاسی فی ما بین را پیچیده و نیازمند شرایط و بستر های تاریخی کرد. (یوسف نژاد، ۱۳۸۴)

مصر معتقد بود ایران تهدیدی برای کشورهای منطقه به شمار می رود. همچنین برداشت متفاوت مصر از جنبش های اسلامی و به خصوص مساله اسلام سیاسی تبدیل به یک مساله چالش زا شد. به طور کلی تفاوت مبنایی نگاه دو کشور در تحلیل سیاست خارجی بزرگترین چالش میان دو کشور بود که بر سطح و شدت پخش اثر گذار بود.

نتیجه گیری:

موضوع این پژوهش، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی مصر است. مطالب این نوشتار برای دستیابی به این هدف و بر اساس اصول نظریه پخش و ارکان آن، تنظیم و سامان یافته است. با وقوع انقلاب اسلامی بسیاری از حرکت های اسلامی مصر تحت تأثیر مستقیم انقلاب قرار گرفتند و پیام بازگشت به خویشتن و اسلام گرایی و ارزش های انقلاب اسلامی محصور به مرزهای کشور نماند و بسیاری از کشورهای منطقه و جهان را تحت تأثیر قرار داد و زمینه بازنگری در مردم بسیاری از کشورها و در نهایت بازگشت به خویشتن و بیداری را ایجاد نمود. انقلاب اسلامی علاوه بر ایجاد

روحیه بازگشت به خویشتن، نشانه ای شد بر تحقق وعده الهی مبنی بر پیروزی در صورت استقامت و پایداری انسان ها در برابر نظام جائر و نفی سلطه پذیری و دل های امیدوار به تحقق وعده الهی را در آغاز موج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه امیدوارتر کرد.

نگرش فرا ملی یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی است که آن را در زمان و مکانی خاص محدود نمی کند. و توانسته است باعث تحول در روحیه مردم مسلمان و مستضعف شود و هدف اسلام را نجات همه مستضعفان می داند. و زمینه بهره مندی حرکت های اسلامی از این مدل درخشان را فراهم آورده است. از سوی دیگر رویکرد متعادل مردم مصر در پذیرش خط فکری انقلاب اسلامی بسیار موثر بود و الهام گیری از تاکتیک های مبارزاتی انقلاب، جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان، مطالبه اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی، بیداری اسلامی و اعتماد به نفس سیاسی، ترویج و شیوه ایده مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت اسلامی مسلمانان و ایجاد قطب و ابرقدرت اسلامی، وحدت شیعه و سنی، اسلام راه حل مبارزه، اسلام راه حل زندگی، ایجاد جامعه اسلامی، ایجاد دولت اسلامی شاید برای این همه بتوان یک نام برگزید و آن «اسلام سیاسی» است. «اسلام سیاسی» و قدرت «ایدئولوژی»، پیامی بود که انقلاب اسلامی ایران برای اعراب بویژه پس از سرخوردگی آنان از ناسیونالیسم ارائه کرد.

منابع:

- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «انقلاب اسلامی و احیاء ارزش های دینی»، فصلنامه پیام، شماره ۸۱.
- اسپوزیتو، جان، ال (۱۳۸۲)، ترجمه محسن مدیر شانه چی، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افشار کهن، جواد و شرفی، برومند (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی جهانی شدن و جنبش سیاسی نوین در مصر»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۵، صفحات ۲۵-۴۸.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۱)، وصیت نامه سیاسی الهی، جلد ۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امرابی، حمزه (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر، چاپ اول، تهران، مرکز استاد انقلاب اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۶)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۵.

- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۷)، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، چاپ ۲، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پانوف، میشل و پارون، میشل (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم شناسی، ترجمه اصغر عسکری، تهران: انتشارات ویس.
- تاجیک، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷.
- جردن، تری و راونتری، لستر (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۵)، مقالات تاریخی، جلد ۵، قم: الهادی.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ارتباط متقابل انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه های آن، جلد ۲، قم: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، جستارهای در باب انقلاب اسلامی ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، «تأثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، شماره ۶۱، صفحات ۲۸۵-۲۶۵.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، انقلابی متمایز (جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران)، قم: بوستان کتاب.
- جندی، انور (۱۳۷۱)، اسلام و جهان معاصر، ترجمه حمیدرضا آذیر، مشهد، آستان قدس رضوی.
- جهانگیر، کیامرث و ملکی، حسن (۱۳۹۴)، «بیداری اسلامی: ریشه ها و زمینه ها»، مجله سیاست دانشگاه تهران، شماره ۲.
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
- حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۸۱)، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، ص ۹۶-۹۴.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۹)، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات سمت.
- دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۸۵)، انقلابی متمایز: جستارهایی در انقلاب اسلامی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷)، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- دلیرپور، پرویز (۱۳۹۰)، «دورنمای اسلام سیاسی در مصر»، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۵.

- روزنامه ایران (۱۳۹۰)، چهارشنبه ۱۱ خرداد، صفحه ۳.
- شکویی، حسین (۱۳۶۴)، جغرافیای کاربردی و مکتب های جغرافیایی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- شکویی، حسین (۱۳۷۵)، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: گیتاشناسی.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی و جنبش های اسلامی» پژوهشنامه تاریخی انقلاب اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ضابطی، معین و علی حسینی، علی و امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۹۸)، «تهدیدات فراروی اسلام سیاسی شیعی در فضای جهانی شدن، مطالعات انقلاب اسلامی، سال شانزدهم، تابستان، شماره ۵۷
- طاهری، سید مهدی (۱۳۸۷)، «انقلاب بیدار ساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام» پگاه حوزه، شماره ۲۴۹.
- کوشکی، محمد صادق (۱۳۸۷)، «بازشناسی هویت انقلاب اسلامی» فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۴.
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۳)، «تأثیرات بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات بیداری اسلامی، بهار و تابستان.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، فصلنامه پانزده خرداد، سال دوم، شماره پنجم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرادی، مجید (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی و تحولات فرا وطنی آن در مصر، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۴۰.
- مرادپور دهنوی، امیرحسین (۱۳۹۹) درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان.
- مرادپور دهنوی، امیرحسین، ستوده محمد (۱۳۹۸) بررسی عوامل سیاسی-اجتماعی ناکامی های بیداری اسلامی در مصر (۲۰۱۲-۲۰۱۳) براساس مکعب بحران، سیاست متعالیه، سال ۷ شماره ۲۷، زمستان
- مرادپور دهنوی، امیرحسین (۱۴۰۲)، آسیب شناسی بیداری اسلامی در مصر، کرج: نشر فرآین و دانشکده علوم پزشکی سیرجان.
- منتظمی، علی (۱۳۵۸)، پی آورهای انقلاب اسلامی ایران در عصر حاضر، تهران، نشر سولماز.
- موسوی، سید مهدی (۱۳۹۰)، سلفی گری و وهابیت ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- یوسف نژاد، ابراهیم (۱۳۸۴)، «روابط دو جانبه ایران و مصر فرصت ها، چالش ها و چشم انداز آینده»، مجلس و پژوهش، دوازدهم، شماره ۴۹ و ۵۰.